

اقدام و عمل گمشده دولت تدبیر و امید

بیست و هفتم بهمن ماه، رهبر عزیز انقلاب به سنت هر ساله با مردم انقلابی و غیور آذربایجان دیدار کرد و ضمن سخنانی با موضوعات مختلف، صدای رسای ملتی شد که از بی‌برنامگی‌ها و نابسامانی‌ها به تنگ آمده‌اند.



بیست و هفتم بهمن ماه، رهبر عزیز انقلاب به سنت هر ساله با مردم انقلابی و غیور آذربایجان دیدار کرد و ضمن سخنانی با موضوعات مختلف، صدای رسای ملتی شد که از بی‌برنامگی‌ها و نابسامانی‌ها به تنگ آمده‌اند. ایشان فرمودند: «ما مسئولین عرض می‌کنیم که این حضور مردمی در بیست و دوم بهمن را به حساب گلایه نداشتن آنها از فعالیت‌های ما مسئولین به حساب نیاورید. مردم گلایه‌مندند؛ از بسیاری از چیزهایی که در کشور می‌گذرد، مردم گلایه‌مندند. مردم با تبعیض میانه‌ای ندارند؛ هر جا تبعیض ببینند، احساس ناراحتی و رنج می‌کنند. هر جا کم‌کاری ببینند، هر جا بی‌جور، هر جا بی‌اعتنائی به مشکلات ببینند همین‌جور، هر جا پیش رفتن کارها را ببینند همین‌جور؛ مردم گلایه‌مندند. بیست و دوم بهمن حساب خودش را دارد؛ ایستادگی مردم در مقابل دشمن کمین‌زده؛ برای بلعیدن ایران یک حرف است که این در بیست و دوم بهمن ظاهر شد، اما توقعات آنها از ما مسئولین یک حرف دیگر است».

این سخنان صریح، ترجمان حرف‌های مردمی بود که از تبعیض‌های ناروای دولتمردان به تنگ آمده‌اند، از سختی‌های معیشتی به ستوه آمده‌اند، از بیکاری و رکود فزاینده و وحشتناک زندگیشان مختل شده است.

اکنون در آخرین ماه سال 95 و در آخرین ماه‌های عمر دولت یازدهم، دیگر مجال برای لفاظی و شعار دادن نیست و آنچه باید مورد توجه و مذاقه قرار گیرد، کارنامه عملکرد دولتمردان است. اما آیا در این موضوع، می‌توان نمره قبولی به دولت داد؟ می‌توان قبول کرد که دولت در جهت بهبود معیشت مردم و رفع بیکاری و گرانی و رکود کاری کرده است؟ آیا بر اساس آنچه رهبری معظم انقلاب برای امسال نامگذاری کردند، اقدام و عمل کرده است؟ در دولت متبلور بود؟

رهبر انقلاب در همان دیدار در این باره فرمودند: «خب، ما امسال را عرض کردیم سال اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل». سال دارد تمام می‌شود؛ الان آخر بهمن است، اقدام و عمل باید نشان داده بشود. من اول سال هم گفتم که مسئولین کشور آخر سال باید نشان بدهند که در این سال برای اقدام و عمل چه کردند؛ نگویند باید چنین بشود، باید بگویند چنین شد؛ این را باید مشخص بکنند».

اکنون نوبت کارنامه‌دهی دولتمردان است و این نه یک کار تشریفاتی، که یک تکلیف مسلم و لازم‌الاجرا است. اما نگاهی به آنچه در سطح کشور می‌گذرد و نیز نگاهی به اوضاع معیشتی مردم گویای آن است که دولت در این عرصه، نه تنها توفیقی نداشته که به قهقرا هم رفته و اکنون اوضاع بد معیشتی، بیکاری، رکود و فساد گسترده در جای جای دولت همچون صندوق ذخیره فرهنگیان و... آشکارترین کارنامه‌ای است که به چشم می‌آید!

گره کور بیکاری

سه سال و اندی پس از سخنان امیدوارکننده روحانی در تبلیغات انتخاباتی، حال و روز این روزهای اشتغال، بی‌نیاز از توضیح است. در تمامی شهرها و روستاهای دور و نزدیک، خیل بیکاران و جویندگان شغل‌های حداقلی از حد تصور فراتر است. هر چند دولت مردان می‌کوشند با بازی‌های آماری و عددی، این باور را القا کنند که موفق به ایجاد اشتغال شده‌اند، اما واقعیات بازار کار و ناامیزی‌ها و میزان بودن چرخ معیشت مردم در اثر بیکاری، چیزی نیست که قابل انکار و پنهان کردن باشد.

تولید داخلی

شاید وقتی دیگر!

اما ریشه‌ها و بای بی‌کاری، از چیزهای تلخ و ناراحت‌کننده و ای خبر می‌دهد که مردم با همه وجود آن را لمس می‌کنند. اکنون همه آنچه در داخل تولید می‌شود، از خارج هم وارد می‌شود و با گستردگی ورود کالای قاچاق، عملاً هیچ تعرفه و گمرکی هم پرداخت نمی‌شود و در نتیجه تولیدکننده داخلی توان رقابت با محصول وارداتی را ندارد. کار به جایی رسیده که واردات و صادرات... گذشته و به واردات ذرت بو داده و آب گوشت و سوپ آماده رسیده‌ایم! قطعاً اقدام و عمل دولت، بیشترین منفعت را برای تولیدکنندگان داشته است اما تولیدکنندگان خارجی!

معیشت مردم در دست رانت‌خواران

در مقابل این بی‌مهری و زحمت‌ها، اتفاقی می‌افتد که مردم را از دولت تدبیر و امید کاملاً ناامید می‌کند. این موضوع، آثار سوء اجتماعی و اقتصادی زیادی در بردارد، چیزی نیست جز میدان دادن به رانت‌خواران و ویژه‌خواران و مفسدان اقتصادی. در دولت یازدهم از این قبیل موضوعات به فراوانی می‌توان نشان داد. چندی قبل یک مقام ارشد اتاق بازرگانی اعلام کرد برخی وزرا در کنار خودشان یک مافیا دارند و همه پروژه‌ها را از دست بخش خصوصی به نفع خودشان درمی‌آورند! قصه تلخ صندوق ذخیره فرهنگیان که بزرگترین و بی‌سابقه‌ترین اختلاس در تاریخ کشورمان بود هم نمونه دیگری است از آنچه در دولت می‌گذرد و مردم را گلیه‌مند کرده است.

در مقابل این بی‌عملی و دولتمردان با بی‌تدبیری امور کشور را می‌گذرانند. یک حادثه ساده مثل بارش برف، یک استان را فلج می‌کند و مردم اسیر و بی‌پناه می‌شوند. خوزستان بی‌هیچ ملجا و پناهی، دستخوش سخت‌ترین نبرد جانکاه با ریزگردها و قطع مکرر برق است و خبری از تدبیر دولت نیست و رئیس‌جمهور و رئیس سازمان محیط زیست، مردم قهرمان آنجا را مستحق یک پیام توثیقی هم نمی‌دانند!

مسئولین جدی بگیرند!

این مشکلات بار غمی است بر دل هرکس که کمترین عشق و علاقه‌ای به کشور دارد. رهبر عزیز انقلاب در همان دیدار به بخشی از گلیه‌های مردم اشاره کردند و فرمودند: «ما امروز دچار مشکلیم، نمی‌شود مشکلات مردم و گلیه‌های مردم را نادیده گرفت؛ مسئولین باید جدی بگیرند. مسئله بی‌کاری مهم است، مسئله رکود مهم است، مسئله گرانی مهم است؛ اینها مسائلی است که وجود دارد. البته مسئولین تلاش می‌کنند، ما می‌بینیم اما ظرفیت و توان آنها است. من حالا ان شاء الله در وقت خودش عرض خواهم کرد؛ ما در بن‌بست نیستیم، ما در مسائل اقتصادی در بن‌بست قرار نداریم؛ مشکلات هست، از دو طرف، سه طرف، چهار طرف مشکلات هست اما محل خروج از مشکلات هم مشخص است. چه جوری می‌شود از این مشکلات خارج شد؟ مسئولین باید تلاش کنند.

بی‌تدبیری، مقدمه‌ای بر رخدادی بزرگ‌تر

به نظر می‌رسد برخی با بی‌عملی و بی‌تدبیری، با رفتار کردن مردم در روزمرگی و اولویات زندگی، نسخه خطرناکی را تعقیب می‌کنند که فرجام شومی به همراه خواهد داشت. نمی‌توان تردید کرد که برخی در صدد ناامید کردن مردم از اصل نظام و انقلابند و در پی روزی هستند که مردم از همه چیز خسته شده و به خیابان‌ها بریزند! رهبر عزیز انقلاب این نکته را هوشمندانه هشدار دادند: «بنده چهار پنج سال یا شش سال قبل از این در سخنرانی اول سال گفتم که امروز نگاه دشمنان ملت ایران به مسئله اقتصاد است؛ سعی دارند به اقتصاد کشور فشار بیاورند؛ اقتصاد کشور را آن‌چنان زیر فشار قرار بدهند که مردم دچار مشکل بشوند. وقتی مردم دچار مشکل شدند، دل زده می‌شوند، دل سرد می‌شوند؛ دشمن همین را می‌خواهد. دشمن می‌خواهد مردم از انقلابشان، از نظامشان، از دولتشان، از کشورشان دل سرد بشوند، دل زده بشوند؛ لذا روی مسئله اقتصاد فشار می‌آورد؛ و فشار آوردند. مسئولین باید به این نکته توجه کنند.»